

# پرسش و پاسخ

تیر ۱۳۶۰

نورالدین کیانوری



در فاصله آخرین پرسش و پاسخ و گفت و شنودی که با دوستان داشتیم تا امروز باز هم مسائل بسیار مهمی در جامعه ما رخ داده یا اطلاعات تازه‌ای پیدا شده است که دارای اهمیت زیادی است. من می‌خواهم امروز از گفتار امام خمینی در روز ۱۱ تیرماه ۱۳۶۰ شروع بکنم. باین گفتار ما از آنجهت توجه می‌کنیم که نکات بسیار با اهمیتی را امام در آن یادآوری کرده‌اند که می‌تواند برای سمت‌گیری عملی گروه‌های سیاسی پیرو خط امام دارای اهمیت خیلی زیادی باشد. این گفتار نکات بسیار وسیعی را در برمیگیرد که من ۵ نکته مهم آنرا اینجا یادداشت کرده‌ام که در باره‌اش صحبت بکنم. در یک قسمت از این گفتار امام می‌گویند که قضیه دفتر هماهنگی در سراسر کشور یک قضیه من باب اتفاق و عادی نبود. سپس مطالبی در باره دولت و غیره گفته میشود و بعد گفته میشود که قضیه این نیست که مجلس يك مجلس غیرکابری است و از اشخاص غیر مطلع تشکل پیدا کرده. مسئله این نیست که قوه قضائیه بدست انحصار طلبان افتاده است. اینها مسائل اصلی آنها نیست. مسائل امریکاست و اسلام. جریان جریان امریکایی است در قبال مردم. در جای دیگری از این صحبت امام به این مسئله که خیلی اهمیت دارد اشاره می‌کنند: روز شهادت امام مظلوم پای نطق و سخنرانی آدمی که با او دست است کف میزنند، سوت میکشند و آمریکا را از یاد می‌برند. خط این بود، یکدسته شوروی را طرح می‌کردند تا آمریکا منسی شود (یعنی فراموش شود). یکدسته الله و اکبر را کنار می‌گذاشتند. سوت میزدند و کف میزدند. آنهم در روز عاشورا. خط این بود که این قضیه مرگ بر آمریکا منسی شود یعنی فراموش شود. در جای دیگر امام می‌گویند که نباید ما فراموش بکنیم که در جنگ با آمریکا هستیم. ما در جنگ با آمریکا و تفاله‌های آمریکا، تفاله‌هایی که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم، الان هم هستند. در جای دیگر امام می‌گویند که لذا دیدید که آنروزی که این جوانهای عزیز ما این لانه جاسوسی را گرفتند این شیاطین به دست و پا افتادند. یکی گفت که اینها خط شیطان هستند و دنبال این کردند که ما الان اسیر آمریکا هستیم. نه اینکه نمی‌فهمیدند که نه اسیر آمریکا نیستیم. می‌خواستند که ما را از استقلال بیرون بیاورند و بدامن آمریکا بیاندازند. قضیه گرفتن جاسوسخانه ناگوار بود برای آنها. برای اینکه پرونده‌های آنها ظاهر می‌شد. پیدا می‌شد. اینهمه کوشش برای اینکه اینها را رها کنید برونند، ما در کروز آمریکا هستیم. اینها را بگذارید برونند. اینها جوانهای عزیز ما که می‌گفتند در خط اسلام هستیم می‌گفتند بهشان که در خط شیطان هستید. و بالاخره پنجمین گفته مهم امام اینست که: يك سبلی خوردیم از اشتباه. همه ناسامانی‌هایی را که الان داریم برای اینکه اشتباه کردیم. نباید اشتباه تکرار شود. خوب ما اگر هر کدام از این جملات امام را بخوانیم میتوانیم در اطرافش بحث بسیار مفصلی را انجام بدهیم و اگر این تاریخ دو سال و نیم گذشته پس از پیروزی انقلاب، و اگر بخواهیم عمیق تر بررسی بکنیم، دوران قبل از انقلاب یعنی از آغاز اوج گیری انقلاب، و اگر باز هم بخواهیم عمیق تر بررسی بکنیم، دوران

قبل از ۲۸ مرداد • اگر این تاریخ درست از دیدگاه همین رهنمودهایی که امام داده از این احکامی که امام در گفتار خودش بهشان اشاره کرده اگر بخواهیم برخوردی بکنیم به حقایق بسیار مهمی که برای سرنوشت انقلاب ایران نه از لحاظ تاکتیکی در این مرحله کوتاهی که ما الان در نبرد با آمریکا هستیم بلکه برای مجموعه دوران آینده تکامل انقلاب ایران • دوران تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران به نتایج بسیار بسیار مهم و سرنوشت سازی خواهیم رسید • مسئله اول عبارت از اینست • این مسئله خط آمریکاست • یعنی در ایران در نتیجه ۳۰ سال و بیشتر فعالیت آمریکا يك خطی جا افتاده که تقریباً تمام قشرهای مرفه جامعه ما که از لحاظ سیاسی همان لیبرالها هستند که با شکل مختلف این خط را دنبال میکنند و این خط عبارت است از تسلیم به خواستهای آمریکا برای حفظ بنیاد و پایه های سرمایه داری وابسته به امپریالیسم • این خط را ما از کجا می توانیم پیدا بکنیم • در مطبوعات حزب ما پیش از ۳۰ سال است شاید هم بیشتر از سال ۲۶-۲۷ است که این خط با تمام دقت نشان داده می شود که چطور هرچه بیشتر بطرف تلور می رفته است • این که لیبرالها که قیافه خیلی ملی، خیلی اسلامی هم گاهی اوقات گرفته اند مثل نهضت آزادی مثل يك دوره ای حتی جبهه ملی و سایر سازمان های مذهبی و یا غیر مذهبی که در طیف لیبرالها در همین طیف بزرگ جبهه متحد ضد انقلاب که در دور و بر آقای بنی صدر درست شد وقتی این ها را تاریخچه اش را نگاه بکنیم می بینیم این خط متعلق به دیروز و پریروز و پس پریروز نیست • خطی است فوق العاده طولانی • گفتار بسیار جالبی در این زمینه هست از یکی از سردمداران این خط با اصطلاح ملی و از یکی از موسیسان جبهه ملی آقای هکی تاریخ - نویس، دوست و همکار بقایی تا آخرین نفس تا کودتای ۲۸ مرداد • ببینید حسین مکی که سخنگو دبیر جبهه ملی بود در سه جلد کتابی که بنام تاریخ ۲۰ ساله ایران نوشته به شکل عجیبی کوشش می کند که آمریکا را بعنوان فرشته رحمت به مردم ایران بقبولاند • او آمریکا را بعنوان مشعل فرشته ای که در داخل نیویورک ایستاده است تعریف می کند • می گوید خیلی صریح این کلمات خود ایشان است :

از روزی که ویلسون طلسم مونرو را شکست و لشکرهای امریکایی را به اروپا فرستاد عمل او روزنامه امیدی بروی ملل ضعیف شرق گشود. که ممکن است عهد عزلت و انزوای امریکای بزرگ منقضی شده و عواطف بشر دوستی و نوع پروری آمریکا، ملل ضعیف شرق را زیر حمایت خود بپذیرد • پرتو ضعیف امید که از افق قاره جدید می درخشید ملیون ایران را آنقدر جرأت و جسارت داد که به انتظار مساعدت آمریکا با بحران و انتظار مبارزه کنند و به نیروی امید مجهز شوند • این فکر که باید امریکای صلحجوی بشر - دوست را به ایران علاقمند ساخت و ایران را از دایره محدود مبارزات و حریف رهایی بخشید زمینه مستعد و مساعدی بر افکار ملیون ایران یافت • بعد می نویسند که عملیات شومتر صحت تصور ملیون ایران را تأیید کرد و آرزوها و امیدی که ملیون ایران به مساعدت امریکائیات و بهره مندی از خدمات

صادقانه هموطنان شومتر داشت - یعنی همان مستشاران امریکایی و نظامی که اینجا ۱۷ شهریور را درست کردند - آنقدر قوی بود که بزودی تابندگی خود را از سرگرفت. خوب این برداشتی است که این آقایان ملیون که آقای حسین مکی سخنگو و دبیر جبهه آنها بوده است، و بعدا هم بعنوان یکی از کارگردانان تدارک کودتای ۲۸ مرداد با بقایی و سایر همکارانشان عملی کردند، می خواستند چنین قیافه‌ای از آمریکا را به مردم ایران تحمیل بکنند. روزنامه "باختر امروز" در یکی از شماره‌های خودش اینطور می‌نویسد: در دهم مرداد ۱۳۲۸ دست‌انازونی آمریکا که با کمکهای مادی و معنوی گران قیمت خودش بسیاری از ملل جهان را از مرگ و فنا نجات داده و اروپای گرسنه و ویران را از آغوش کمونیسم بیرون کشیده، امروز می‌رود که مسئولیت به مراتب سنگینتری را قبول کند. آمریکا باید ما را در دهانه آتشفشان یاری کند. با این کمک آمریکا را جز با احساسات بشر دوستی و عواطف عالی‌انسانی به چیز دیگری تعبیر نمی‌کنیم. کودتای ۲۸ مرداد آمریکا عبارتست از احساسات بشر دوستی! و عواطف عالی‌انسانی است! اینست آن ارزیابی که این خط، خط تسلیم به آمریکا، از آغاز شکل‌گیری سیاسی خود شرکتشده است که به مردم ما تحمیل بکند. و با کمال تأسف بایستی گفت این خط دوران طولانی توانست چهره کریم‌امپریالیسم آمریکا را مخفی نکه دارد. و برعکس این مساله را که امام در اینجا تذکر داد مانند، شوروی را بعضی‌ها طرح می‌کردند که آمریکا فراموش شود، این مساله را بارها پیش کشیدند. نمونه‌های بسیار زیادی در این باره در دست است که یکی از بزرگترین و برجسته‌ترین این نمونه‌ها عبارتست از اعلامیه حزب ایران در مورد شناسایی دکترین آیزنهاور. همان دکترینی که بعدا به تمام جنایات آمریکا در سراسر جهان منجر شد در سال ۱۳۳۵ یعنی دو سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد که سیاست آمریکا دیگر بطور کامل همه واقعیت خود را در ایران نشان داده بود، دیگر مشخص شده بود که کودتا را امریکائیه‌ها بدست مأمورین سیا در ایران انجام داده‌اند. کمیته مرکزی حزب ایران در اول بهمن ۱۳۳۵ چنین اعلامیه‌ای را صادر می‌کند:

کمیته مرکزی حزب ایران در بیانات رئیس‌جمهور ممالک متحد آمریکا، شمالی در ضمن پیامهای پنجم و دهم ژانویه ۱۹۵۷ به کنگره آنکشور مطالعات دقیق نموده و از لحاظ اینکه مفاد و روح این پیام را بر ضد امپریالیسم و کاپیتالیسم (درست گوش بدهید پیام رئیس‌جمهور ممالک متحد آمریکا بر ضد امپریالیسم و کاپیتالیسم بوده است) و موافق با احترام حقوق بشر و آزادی افراد و استقلال ملل در ادارات امور خود و تقویت وطن پرستی و تقوی تشخیص داده خواسته که پیام مذکور پس از اتخاذ سیاست مستقل و مساعد در مسئله حمله به مصر ایراد شده اصولاً خوشبین است و از جنبه واقع‌بینی نیز آنها را با اصول داخلی خود که عبارتست از - اصول داخلی حزب ایران - اجرای قانون اساسی و متمم آن یعنی پذیرش سلطنت، ب. اجرای اعلامیه حقوق بشر و احترام به آزادی و حقوق و امنیت قضایی ملت

ایران متابعت از اصول پارلمانی و دموکراسی و تحقق حکومت مردم بر مردم در ریشه کن کردن فقر و رشوه خواری و نادرستی ، با اصول سیاست خارجی خود که عبارتست از متابعت از منشور سازمان ملل متحد ، احترام به حقوق پیمانهای موجود ، مبارزه با کمونیسم . پس به این ترتیب درست تشخیص دادند که محتوی بیانات رئیس جمهور آمریکا عبارتست از مبارزه با کمونیسم و برای آنکه آنرا خیلی خوب رنگیش بکنند ، اعلام کردند که این بیانات پیامی است بر ضد امپریالیسم و کاپیتالیسم . مثل اینکه آمریکا دیگر باید به مرحله سوسیالیسم رسیده باشد ، چون هم بر ضد امپریالیسم است و هم ضد کاپیتالیسم .

کمونیسم هم چیز بدی است و باید بر علیه آن جنگید . پس رژیم دیگری آنجا وجود دارد که این رژیم حتماً عالیترین شکل سوسیالیسم مورد علاقه حزب ایران است که آنها را نمی شناسیم . بعد بار دیگر تکیه می کنند که حزب ایران قویا معتقد است که از بین رفتن عدم رضایت ها و احترام حقیقی به آزادی و حقوق و امنیت قضایی و حکومت قانون و شرکت مردم در اداره کشور ، خود مهمترین عامل اصلی و اساسی برای مبارزه با نفوذ کمونیسم است . یعنی مسأله ای که برای آنها مطرح بوده این بوده است که ما نوکری آمریکا را قبول داریم ، ما از هر کسی که شما بخواهید ضد کمونیست تر هستیم ، از شاه هم بهتر می توانیم علیه کمونیسم مبارزه کنیم . شما اگر می خواهید علیه کمونیسم مبارزه بکنید ، ما حاضریم نوکریتان را بپذیریم . به این ترتیب محتوی فوق العاده عالی این گفته امام مشخص میشود . یعنی خط خط امریکائیست . امریکایی که بعداً قیافه واقعی خودش را نه مطابق این ماسکی که حزب ایران برایش درست کرده بود ، امریکای بقول حزب ایران ضد امپریالیست ، ضد کاپیتالیست ، طرفدار حقوق بشر طرفدار اینهمه آوردن نیکی برای بشر . نه ، امریکایی که نمونه اش ساواک و موساد ، کمپ دیوید ، بنده کردن سیاه و برده کردن خلق های زحمتکش بود . امریکایی که ویتنام را ایجاد کرد ، امریکایی که هنوز در کره حضور دارد ، امریکایی که اندونزی و شیلی را ایجاد کرد . آنها حاضر بودند برای مبارزه بر علیه کمونیسم ، برای نگهداری اختیارات سرمایه داری در ایران ، برای حفظ غارتگری سرمایه داری برای این آمریکا نوکری بکنند . این است آن خطی که گردانندگان جبهه ملی امروز ، که ما مصدق را همیشه از آنها جدا کرده ایم و برای او شخصیت تاریخی ضد امپریالیستی واقعی قائل هستیم ، از ابتدای شروع فعالیت سیاسی شان دنبال می کرده اند و امروز هم دیگر بوضوح قیافه واقعی خود را نشان داده اند . یعنی در اتحاد با ضد انقلاب ، با اویسی ، با فرح ، با رضا نیم پهلوی ، با تمام وزده های جامعه ما ، با مائوئیستها ستون پنجم آمریکا در ایران و با گروه های بچه چپ رو ، انحصار طلب و ماجراجو همکاری می کنند تا اینکه دوباره خط آمریکا را بر ایران تحمیل بکنند . این است آن چیز مهمی که با یک بررسی کوتاه از تاریخ ، میشود از این گفتار بدست آورد . البته همانطور که گفتم در تأیید هر یک از این گفته ها ممکن بود مطالب خیلی مفصلی را با بررسی تاریخی تنظیم بکنیم و بنویسیم .

بحث دیگری که در گفتار بسیار بسیار پر محتوی امام موجود است، مطلب سومی است که گفتیم : ما نباید فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم، ما در جنگ با آمریکا و تفاله های آمریکا این تفاله هایی که قالب زدند خودشانرا و ما غفلت کردیم و الان هم هستند . کلمه به کلمه این گفتار امام قابل تأیید است . تمام تاریخ دو سال و نیم اخیر ما به ویژه اینرا نشان میدهد . امروز دیگر ما می توانیم ببینیم که این تفاله ها به چه شکل خودشانرا جا زدند به چه صورت هایی خودشانرا جا زدند و دواره کجا باید بدنبال آنها گشت . برای اینکه امام به درستی یادآوری می کنند که اینها هنوز هم هستند و ما هر روز که بگذرد باز هم نمونه های اینها را پیدا خواهیم کرد . ببینید از وقتی که جنبش انقلابی ایران شروع به اوج گیری کرد ، ما می بینیم که این خط آمریکا مرحله به مرحله عناصر خود را که خوب در بین به اصطلاح آزادی خواهان و ترقی خواهان و ملیون و حتی بعدا به داخل نیروهای مسلمان که خودشانرا طرفدار خط امام خمینی می دانستند جا زده بود ، يك به يك ، لایه به لایه وارد صحنه کرد و کوشش نمود به وسیله آنها انقلاب را چه پیش از پیروزی و چه بعد از پیروزی منحرف بکنند . ما فقط اگر توجه بکنیم به همین نظم تاریخی می توانیم بگوئیم ، بختیار ، بعد از بختیار حکومت ائتلافی از نهضت آزادی و جبهه ملی ، جبهه ملی که مهمترین عناصر آن بعد از مفتضح شدن بختیار ، امثال ابوالفضل قاسمی بودند ، و نهضت آزادی که از گردانندگان امیرانظام و نرزه و غیره بودند . و یا لایه دیگری که به صورت رادیکال های یعنی ، مبارزانی که قبلا با علی امینی کار می کردند ، وارد اقدام شدند و جزو گردانندگان مهم دولت انقلابی شدند . مثل مقدم مراغه ای ها ، نرزه ها و امثال آنها . اینها لایه هایی بودند که آمریکا آنها در تمام مراجع مهم قدرت دولتی ، یکی بعد از دیگری وارد دستگاه رهبری انقلاب و دستگاه اداره کننده حاکمیت انقلابی می کردند ، برای اینکه بتوانند به وسیله آنها انقلاب را منحرف بکنند . بعد نمونه های مدنی ها پیدا شدند ، نمونه ابوالقاسم صادق معاون وزارت ارشاد ملی پیدا شد ، که حتی توانست در کابینه آقای رجائی رضنه کرده و خود را تا حد معاونت وزارت ارشاد ملی بالا بکشد . بعد بنی صدر و قطب زاده و تمام این گروهی که از آمریکا و فرانسه آمده بودند یکباره جازندند که امروز هم یکی دو تایشان د و مرتبه توقیف شدند امثال فتح الله بنی صدر و انتظار بیون و تمام این طیف د و ر بنی صدر و اینها را همه را به انقلاب جازندند و ما اگر دقت بکنیم می بینیم که هنوز بقایای آنها در مجلس و در مقامات دولتی به معنی کامل وجود دارند . امروز یکی از نمایندگان مجلس در گفتار خود با دلایلی نشان می داد که این وزارت نفت تقریبا همان وزارت نفت لاقل نرزه و وزیر بعدی اشراف است . یعنی تغییری نکرده و نظیر وزارت نفت دولت گام به گام است و میشود حتی گفت که يك درصد خیلی خیلی عمده اش همان وزارت نفت اقبال و انصاری است . ما می بینیم که مهمترین مرکز قدرت اقتصادی دولت ایران هنوز در دست چه کسانی است . خیلی جالب بود وی می گفت یکی از وزرا گفته است که هیئت

وزیران از وزارت نفت خبری ندارد و یا هنوز در آنجا تسلطی نداریم. یعنی هنوز دولتی است در داخل دولت ایران. به این ترتیب ما می بینیم که امپریالیسم توانسته است از این طرق خودش را جا بزند. ما الان که دو سال و نیم است که هشدار می دهیم از بقایای ها از مکی ها از شمس قنات آبادی ها بر حذر باشید. اینها با قیافه ملی با قیافه طرفداری از حقوق مردم وارد میدان شدند و بعد ۲۸ مرداد را تدارک دیدند و به انجام رساندند. ما ۲ سال است که هشدار می دهیم که از این امثال امیران نظامها امثال ابوالفضل قاسمی ها، امثال قطب زاده ها، امثال بنی صدرها بر حذر باشید و حالا هنوز هم این تذکر را مجبور هستیم با تمام وزن ادامه بدیم. به نظر ما کلاهی ها افراد استثنایی نیستند. کلاهی ها در مکان های مختلف جای دارند. یکی از نمونه های جالب امثال کلاهی ها که فقط با ریش توانسته بودند خود را در یک چنین جای حساسی جا بزنند ( چون ظاهرا فقط بایستی ریش او این کار را کرده و او را در آنجا جای داده باشد ) همان کسی است که بعنوان یکی از همکاران دفتر هماهنگی، در جریان محاکمه اظهاراتی کرده است که از تلویزیون نیز پخش شد. این آقای خلیلیان. آقای خلیلیان چهره های گوناگونی دارد که یک چهره اش عبارتست از چهره یک تحریک کننده در روغزو و جنایت آمیز علیه حزب توده ایران. اگر خاطرنان باشد جریانی چند ماه پیش اتفاق افتاد که طی آن خانهای که متعلق به بعضی از دوستان حزب توده ایران بود در جنوب شهر گرفته شد. اول رفتند آنجا و خانه را بازدید کردند. علت بازدید خانه نیز آن بود که ما شکایت کردیم که قسمتی از این خانه را عده ای تحت عنوان بیمارستان مبارزه با اعتیاد، به مرکز پخش هروئین تبدیل کرده اند. ما شکایت کردیم. آمدند و شکایت ما درست درآمد. آمدند بازدید کردند آنجا را گرفتند، افرادش را دستگیر کردند. بعد از چند روز به رهبری همین آقای خلیلیان و بدون اطلاع افرادی که در آن خانه زندگی می کردند و بدون اینکه آنها حضور داشته باشند مجدداً آنجا را مورد بازدید قرار دادند و ناگهان ادعا کردند که تکه های شکستهای از یک ژ ۳ را داخل زیر زمین خانه پیدا کرده اند! و ۲ نفر از رفقای توده ای ما را که با تمام وجودشان در این دفتر فرهنگی جنوب شهر در راه انقلاب، برای مبارزه با ضدانقلاب کوشش می کردند گرفتند و بردند و برای آنها پرونده ساختند. همه هم می دانستند که این پرونده ساختگی است. پرونده بوسیله همین آقای خلیلیان ساخته شد، که به عنوان عضو دفتر هماهنگی و نماینده کمیته مرکزی در آنجا سر و کلاه پیدا شده بود. این دو رفیق ما که همه می دانند و خود دادستانی انقلاب هم می داند که بیگناه هستند، هنوز هم در زندانند و به ۳ سال حبس هم محکوم شده اند. و حالا یکهو قیافه ایسن آقای خلیلیان بعنوان یک عامل محرک دستگاه پیدا می شود. امثال اینها امثال کلاهی ها هنوز حتماً زیاد هستند. به این ترتیب ما از این گفته امام به این مسئله توجه می دهیم که هنوز توطئه هفتم آمریکا در جریان است، هنوز آمریکا به اینگونه عناصر یعنی بقایای ها و مکی ها از یکطرف و کلاهی ها و



خلیلیان‌ها از طرف دیگر، امید زیادی دارد و کوشش میکند اینها را با قیافه‌های مختلف در جاهای مختلف جا بزند و آنها در این جاها با تمام قوا کوشش میکنند از امکاناتی که در اختیارشان هست، در جهت تحریک، در جهت ایجاد نفاق، در جهت بجان هم انداختن استفاده بکنند. اینها در مطبوعات هستند، در روزنامه‌های کثیرالانتشار هستند. بنظر ما در رادیو هستند، در تلویزیون هستند و ما خیال می‌کنیم که مسئله، تصفیه اینگونه عناصر است، و نه آن عناصری که مشخص است تمایلات توده‌ای دارند و دروغ هم نمی‌گویند و قیافه شان هم مشخص هست. ما بر حذر می‌داریم از کلاه‌هایی که ریش دارند و حتی روزی ۲۵ بار ممکن است جلوی افرادی که مسئول هستند مثل رهبران حزب جمهوری اسلامی نماز بخوانند و خیلی هم خود را مسلمان متحد و مکتبی نشان بدهند. این عناصر می‌توانند ضربات بسیار بسیار دردناکی به انقلاب وارد بکنند و به نظر ما یکی از ضعف‌های حاکمیت کنونی ما در این است که به این جنبه نفوذ عوامل دشمن فوق‌العاده کم توجه کرده و می‌خوشد عمدتاً امکانات خبرگیری و اطلاع‌گیری و تحقیق خویش را در جهتی به کار می‌برد که از آن جهت کوچکترین خطری متوجه انقلاب ایران نیست. و در نتیجه برای آنجا نیکه‌ای افراد می‌توانند وارد بشوند، می‌توانند اینقدر بمب‌مركز حزب جمهوری اسلامی وارد کنند، کار بگذرانند، به کار بیاورند و خودشان راحت کنار بروند. هیچگونه چشم و گوش برای دیدن و شنیدن این خیانتها و جنایتها وجود ندارد یا اگر وجود دارد فوق‌العاده ضعیف است. از این جهت است که ما معتقدیم که هنوز طیف بختیار، قاسمی، امیرانتظام، بنی‌صدر، قطب‌زاده، مدنی و نهضت آزادی، جنبه ملی و فترهماهنگی، کلاه‌ها، خلیلیان هاریشه‌های قوی در دستگاه حاکمیت کنونی، در دستگاه سازمانهای سیاسی اسلامی ریشه‌های قوی‌ای دارند و مبارزه با این طیف بایستی به یکی از عمده‌ترین جهات مبارزه حاکمیت برای حفظ انقلاب، مبدل شود.

همانطوری که گفتیم نمونه‌های زیادی در دست است که در مطبوعات کثیرالانتشار عناصری وابسته به مائوئیست‌ها یا به جناح‌های دیگر لیبرالی و همین خط امریکا کاملاً عمل می‌کنند. من یک نمونه‌ای دارم که خیلی بامزه است این نمونه از آن جهت واقعاً جالب توجه هست که نشان می‌دهد به چه شکل این عناصر عمل می‌کنند و هدفشان چیست؟ ببینید امام یک چیز خیلی خوبی در همین گفتارها گفتند که من آنرا یادآوری کردم. گفتند: بعضی شهروی را طرح می‌کردند برای اینکه امریکا فراموش شود. ما می‌دانیم که دستگاه خبرگزاری امپریالیستی که محافل حاکمه ایران، خود آنرا بعنوان امپریالیسم خبری معرفی کرده‌اند غیر از دروغ در دنیا به نفع امپریالیسم چیزی نمی‌سازند. بهترین دلیل و نمونه‌اش هم عبارتست از تمام آن چیزهایی است که درباره انقلاب ایران و واقعیت ایران در دنیا منتشر می‌کنند. خوب حالا اینکه آژانس پارس ایران فقط اخبار آسوشید پرس، و یونایتد پرس و رویترکه نمایند‌هاش را از ایران به

علت دروغگویی و دروغ سازی بیرون می‌کنند ، هر روز دو مرتبه تحویل مطبوعات ایران و رادیو مید هند ، این از عجایب دوران انقلاب اسلامی است ، که چطور از يك طرف همه این سازمانها آنقدر دروغ سازند که در ایران دیگر نمی‌توانند نمایندگی داشته باشند و از طرف دیگر تمام اخباری که آژانس پارس میگیرد و به روزنامه ها و مطبوعات و رادیو مید هد از همین خبرگزاریهاست ، يك نمونه وجود دارد که خیلی جالب است ، معلوم نیست آژانس پارس این خبر را می‌دهد یا اینکه نویسند ه اخبار در روزنامه آنرا اینطوره قشنگ ( تبدیل میکند ، آنقدر بامزه است که تعجب میکنید ، در روزنامه اطلاعات ۱۵ تیرماه ۱۳۶۰ ، ص ۱۲ ، ستون اول ، در بخش اخبار جهان ، در جای خیلی برجسته با تیتیر درشت می‌خوانید " روسیه با متحدین امریکا به توافق رسید " ، بعد خبر را می‌خوانید : لندن - انگلیس خبرگزاری فرانسه به گزارش منابع رسمی انگلستان ، لرد کارینگتون وزیر امور خارجه انگلیس دیروز در لندن با وزرای امور - خارجه فرانسه و آلمان غربی به مذاکره نشست و با این متحدان امریکا به توافق رسید ، لازم به یادآوری است که لرد کارینگتون امروز با آندره گرومیکو وزیر امور خارجه روسیه به مذاکره می‌نشیند ، تیتیر روسیه با متحدین امریکا به توافق رسید تمام شد ، بعد محتوی عبارت از اینست که لرد کارینگتون با دوستان خودش به توافق رسید ، چقدر صدق می‌کند که بعضی ها شوروی را طرح می‌کنند برای اینکه امریکا فراموش شود ، از این نمونه‌ها می‌توان صد ها باریافت ، در مطبوعات ، در روزنامه کیهان ، در - روزنامه اطلاعات ، مثلاً در باره روزنامه کیهان دروغگویی را ببینید تا چه حد است ، در مقاله‌ای که " مقاله هم بایستی باشد ، ( کیهان ۱۴ تیرماه - یادداشت روز " عوامل اصلی فاجعه اخیر را بشناسیم " ) می‌خوانیم : گروه‌های سیاسی دیگر از جمله مارکسیستهای موافق اطلاعیه ، امدای دادستانی کل انقلاب در تبیین علل و عوامل این جریان جانب احتیاط را در پیش گرفتند ، یکی به نعل زدند و یکی به میخ ، تا اگر حوادث در روند عینی‌اش به سود جناح غالب پیش‌رود زبانی متوجه حیات سیاسی آنان نگردد ، سیاستی که حزب توده در تاریخ ۲۰ سال اخیر دیکته تور آن بوده است ، البته بی سلیقتی این آقای نویسند ه را که کلمه دیکته تور را در فارسی به چه معنایی پیدا کرده است به عهده خود شان واگذار می‌کنیم ولی از اینکه واقعا " به حزب توده " ایران نسبت بد هند که به نعل و به میخ زده آنهم در این مسئله اساسی ، این دیگر باز کمترین چیزی که می‌توان گفت خیلی بی سلیقتگی لازم دارد ، فقط کافی است مقایسه بکنیم ، آنچه که روزنامه " کیهان " که خود را خیلی انقلابی می‌داند ، از همان تاریخی که از دست آقای یزدی بیرون آمده ، در مورد لاقل آقای بنی‌صدر و تمام دارودستاش ، یعنی تمام طیف این جبهه ضد انقلاب نوشته ، با آنچه که روزنامه " مردم " در این باره نوشته است ، ببینیم ، کدامیک از اعلامیه‌های حزب توده ایران که در همین حوادث اخیر ، بمحض اینکه این حوادث پیش آمد منتشر شد است ، در جهت این است که به نعل و به میخ بزنند ، ماطی حوادث اخیر سه اعلامیه بسیار

مهم صادر کردیم پس از برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا بدون هیچگونه ابهامی اعلام کردیم که تدارک این عملیات آقای بنی صدر، توطئه هفتم آمریکا بوده و سیاستی که این توطئه را در هم کوید و تمام این نمونه‌ها را، این طیف را، ما نشان دادیم که آقای بنی صدر هم در وسطش بوده است و موضع خود را با تمام قوا و با کمال صراحت در این مسئله مشخص کردیم. اطلاعاتی که موضع گیری ما را نشان می‌دهد بطور خیلی روشن از تصمیم امام در برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا پشتیبانی و ابراز شادی کردیم و آنرا بعنوان يك قدم بزرگ برای چنین لحظه‌ای ارزیابی کردیم. خوب در اعلامیه دومی که ما دربارهٔ عزل بنی صدر صادر کردیم با تمام صراحت اعلام کردیم که عزل بنی صدر از مقام ریاست جمهوری خطر بزرگی را از انقلاب می‌شکوهند مردم ایران دور ساخت. در بیانیه‌ای هم که برای این حیثیات بزرگ منتشر کردیم خیلی صریح گفتیم که جنایت بزرگ ضد انقلاب پرورده آمریکا را بشدت محکوم می‌کنیم، مبارزه تا پیروزی قطعی و نهایتاً ادامه دارد. ما تمام این بیانیه‌ها را برای روزنامه کیهان هم فرستادیم و روزنامه کیهان علی رغم تمام آن اخلاق مطبوعاتی مبنی بر اینکه يك روزنامه و سازمان که امروز روزنامه‌اش توقیف است و امکان انتشار نظریاتش را ندارد و سازمانی است که لااقل برای خود روزنامه کیهان مطرح است سنت مطبوعاتی خیلی خیلی ابتدایی آزاد منشا نمی‌کند که حداقل آن مقداری که اطلاعات در انحکاس نظریات حزب توده ایران عمل کرده عمل بکند، ولی روزنامه کیهان برعکس آگاهانه يك کلمه از مطالبی که مربوط به حزب توده ایران است، تا آن تاریخی که يك چنین تحریفی را از موضع گیری حزب توده ایران می‌نویسد بیان نمی‌کند. ببینید اینها نمونه‌هایی است که ما از این نوع اقدامات داریم. این که کی است کجا است، آگاهانه است یا ناآگاهانه است، تاریخ بما نشان می‌دهد که این خصوصیت‌های قطب زاده وار بقایی وار، سنجایی وار، یزدی وار، امیرانتظام وار، رنجبری وار، پیکاری وار و بنی صدری وار همگی به خط آمریکا کشیده شده است. همه اینها پس از مدتی ماسک از رویشان برداشته شده است و با بحنوان عمال امپریالیسم آمریکا شناخته شده‌اند و یا سازشکارانی که در راه سازش با امپریالیسم آمریکا گام برمی‌داشته‌اند. حداقل یا این بودند یا آن. خط آمریکا است همانطور که امام گفتند. ما برحذر می‌داریم آن افراد با حسن نیتی را که در نتیجه این تبلیغات سی ساله در این دام وحشتناک تبلیغات ضد حزب توده ایران افتاده‌اند و به تکرار آن لاطائلاتی ادامه می‌دهند که سی سال ساواک و این ملیونی که امام چهره آنها را امروز نشان داده‌اند یعنی امریکایی زده‌های ملی نما ادامه می‌دهند ما اسم اینها را دیگر ملیون نمی‌گذاریم امریکایی زده‌ها، ملی نما سی سال علیه حزب توده ایران یکطرفه تبلیغ کردند. این لجنی که در نتیجه این تبلیغ، در افکار بسیاری از مبارزان که واقعا می‌توانند مبارزان اصیلی هم باشند افتاده دیکر وقت آن رسیده است، با اینهمه تجربه تاریخی، خانه تکانی و پاک بشود. حوض را دوباره آب تمیز بیاندازند و واقعا در برخورد با واقعیت اجتماعی ایران، در برخورد

با آن جریان پیرو سوسیالیسم علمی واقعی و راستین در ایران و در سراسر جهان، آمریکائی زداثی بکنند . وقت آن رسیده است . چیزی که میتوانم به این گفتار اضافه بکنم دیگر امام است که این رهنمود فوق العاده با ارزش است و این رهنمود را من به همین افراد می گویم که نمی خواهند — بهزیرند که در ایران نیروهایی وجود دارند که ضمن اینکه ممکن است در مواضع ایدئولوژیک و فکری عقیدتی مسلمانان مبارز قرار نداشته باشند ، ولی به تمام معنا در جهت مبارزه برای نگهداری دستاورد های انقلاب شکوهمند میهن ما ، برای حفظ و نگهداری این نظام جمهوری اسلامی که در یک موضع ضد امپریالیستی و مردمی ضد استبدادی ، بمعنی استبداد سلطنتی جای گرفته و از آن دفاع می کنند . و با تمام صداقت از آن دفاع می کنند . من این گفته امام را می خواهم به یاری بطلبم برای راهنمایی این افراد . امام در سخنرانی بهمن ماه ۱۳۵۹ خود در مقابل نمایندگان سازمان بنادر و کشتیرانی اینطور می گویند که : اگر مسلمانید بخاطر اسلام متحد شوید و اگر خدای ناکرده به اسلام اعتقادی ندارید — بخاطر مصالح کشورتان دست از تفرقه بردارید و دست اتحاد و اتفاق بدهید . یعنی امام توصیه — می کند به همه هم به مسلمانان هم به آنهایی که دگر اندیش هستند ، متحد شوید . این توصیه فقط به دو طرف به طور مجزاییست به هر دو طرف است . همان مسلمانانی که ؛ هستند بالاخره دگراندیشانی که بخاطر مصالح کشورشان مبارزه میکنند . نمی بایستی دست رده به سینه بیان زد بلکه بایستی با آنها اتحاد کرد . این است محتوای آن چیزی که ما سالهاست بنام جبهه متحد خلق دائما پیشنهاد می کنیم . یعنی جبهه ای از همه نیروهای راستین انقلابی که طرفدار <sup>آن</sup> اینج اصل و پنج عنصر اساسی خط امام خمینی هستند ، که پنجمین این عناصر ، خود اصل اتحاد همه نیروهای هوادار انقلاب است که می بایست با یکدیگر در جبهه واحدی علیه این طیفی که اینقدر وسعت پیدا کرده و هنوز بمعنی کامل خطرش از بین نرفته است متحد شوند تا بتوانند مبارزه بکنند و دستاوردهای انقلاب را به شکل بازگشت ناپذیر نگهداری و محافظت نمایند .

\* \* \* \* \*

پس از پخش آخرین قسمت یا هفتمین قسمت از بحث آزاد ایدئولوژیک گوینده رادیو تلویزیون با لحنی بسیار زننده و جهت دار ادعا کرد که گویا این بحث بعلت امتناع حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) ادامه پیدا نکرده است . از آنجایی که این اظهار گوینده رادیو — تلویزیون که بعداً بعنوان موضعگیری رسمی شورا، سرپرستی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در — مطبوعات هم منتشر شد ، تحریف واقعیات است ، ما طی نامه ای نظریات حزب را ، آن تحریف زننده و غیر — منطبق با واقعیت را روشن کردیم و اینرا برای مطبوعات هم فرستادیم و مطابق قانون مطبوعات از آنها

خواستیم که آنرا درج بکنند و از صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران هم مطابق قانون مطبوعات خواستیم که در مقابل تمام تهمت‌هایی که به حزب توده<sup>۱</sup> ایران در طی دو سال و نیم اخیر زده شده است این نوشته<sup>۲</sup> اعتراضی ما را منتشر بکنند ولی از آنجائیکه ما تردید داریم که هم صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران و هم روزنامه‌های کثیرالانتشار یعنی اطلاعات و کیهان و جمهوری اسلامی چنین کاری را انجام بدهند این نوشته را من امروز اینجا در این گفتار می‌خوانم برای اینکه از این طریق لااقل به اطلاع دوستان ما که بوسیله پرسش و پاسخ با ما رابطه دارند برسد و آنها هم بتوانند این واقعیت را در جامعه در همان حدودی که محیط اطرافشان اجازه می‌دهد منعکس کنند .

### شورای سرپرستی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران

بسیار متأسفیم که برخلاف انتظار از طرف آن شورای طی اطلاعیه‌ای قطع بحث آزاد اعلام شد و آنهم به دلیلی که به کلی در از واقعیات و به طور جدی تحریف واقعیات است . در این اطلاعیه بدون آنکه تمام جریان شکل‌گیری بحث آزاد بیان شود ، کوشش شده است که با نشان دادن غیر منطبق با واقعیت گوشه‌ای از این جریان، مسئولیت قطع بحث آزاد با جملاتی تحریک آمیز و زننده بر عهده<sup>۳</sup> حزب - توده<sup>۴</sup> ایران و سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) گذاشته شود . ما این اطلاعیه را اتهامی علیه خود می‌دانیم و لذا برای رفع این اتهام جریان واقعی شکل‌گیری بحث آزاد را یادآوری می‌کنیم تا مسئولان واقعی قطع بحث آزاد شناخته شوند . پیرو دعوتی که از طرف شورای محترم سرپرستی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران برای اجرای بحث آزاد به عمل آمد در اولین جلسه تدارک بحث آزاد - نمایندگان احزاب و سازمانهای زیر شرکت کردند :

حزب جمهوری اسلامی ، نماینده رئیس‌جمهور معزول ، حزب توده<sup>۵</sup> ایران ، جنبش مسلمانان مبارز ،  
جاما ، نهضت آزادی ، جبهه ملی ، سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) و سازمان مجاهدین  
خلق ایران .

در این جلسه پس از بحث طولانی بالاخره موافقت کلی بعمل آمد که بحث آزاد در سه زمینه<sup>۶</sup> «ایدئولوژیک ، سیاسی و اقتصادی» بموازات دیگر بعمل آید . گروه‌های وابسته به خط رئیس‌جمهور معزول متفقاً<sup>۷</sup> مخالف بحث ایدئولوژیک بودند و علاقه<sup>۸</sup> مبرم به بحث سیاسی داشتند . علت آنهم روشن بود . نظر نمایندگان حزب توده<sup>۹</sup> ایران و سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) بطور روشن این بود که ما برای بحث ایدئولوژیک در شرایط کنونی جامعه ما سودی قائل نیستیم ولی اگر حزب جمهوری اسلامی و حوزه طعمه<sup>۱۰</sup> قم انجام بحث ایدئولوژیک را شرط برای بحث درباره<sup>۱۱</sup> مسائل عمده و حیاتی جامعه یعنی مسائل سیاسی و اقتصادی قرار دهند ما حاضریم در بحث ایدئولوژیک هم شرکت کنیم . در جلسه دوم همانطور که

انتظار می‌رفت گروه‌ها و سازمانهای وابسته به خط‌رئیس‌جمهور معزول شرکت نکردند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که در این جلسه شرکت کرده بود به این دلیل که چون این گروه‌ها و سازمانها که طرف اصلی بحث هستند جا خالی کردند لذا فایده‌های برای شرکت در بحث آزاد نمی‌بیند و از شرکت در بحث آزاد خودداری کرد. باینترتیب قرار شد بحث آزاد با شرکت ۵ حزب و سازمان و گروه یعنی حزب - جمهوری اسلامی ، حوزه علمیه قم ، جنبش‌مسلمانان مبارز ، سازمان فدائیان خلق ایران - (اکثریت) و حزب توده ایران انجام گیرد. این نکته را هم یاد آوری کنیم که این قرار هنگامی گذاشته شد که با رهنمودهای امام خمینی درباره "تأمین آزادیها و تبدیل سال ۱۳۶۰ به سال قانون و صدور اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب درباره "تأمین آزادی فعالیت همه احزاب ، - سازمانها و گروه‌های سیاسی که با نظام جمهوری اسلامی ایران در مقام ستیز مسلحانه نیستند - جو بسیار مساعدی برای تبادل نظر و بحث آزاد بوجود آمد. با کمال تأسفد در اولین گردهم‌آیی در - زمینه بحث ایدئولوژیک حزب جمهوری اسلامی هم از فرستادن نماینده خودداری کرد ، بدون اینکه قبلاً "با سایر شرکت‌کنندگان موافقتی به عمل آورده باشد آقای دکتر عبدالکریم سروش‌بعنوان منفرد در بحث شرکت کرد. به اینترتیب دیده می‌شود که از میان همه احزاب و سازمانها و گروه‌های سیاسی کشور تنها حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با آنکه در اساس چنین بحثی را سودمند نمی‌دانستند و تنها برای آنکه به رغم تحریم تحریک آمیز گروه‌های جنبه براندازی بحث آزاد در همه زمینه‌ها انجام گیرد حاضر به شرکت در بحث ایدئولوژیک شدند بعهده خود عمل کردند. و این در حالی بود که احزاب و سازمانهای سیاسی اسلامی از شرکت در بحث ایدئولوژیک خودداری نمودند. در بحث سیاسی تنها ۴ حزب و سازمان سیاسی ، یعنی حزب جمهوری اسلامی ، جنبش‌مسلمانان مبارز ، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران شرکت کردند. این چهار حزب و سازمان سیاسی طی ۵ جلسه طولانی مسائل بسیار مهمی از اولین بخش‌مورد توافق را که درباره " آزادی ، هرج و مرج و زورمداری بود مورد بحث قرار دادند ولی با کمال تأسفد از این بحث سیاسی تنها ۲ جلسه اولیه آن از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد و برای پخش نشدن ۳ جلسه آخر که عده ترین مسائل سیاسی را در بر می‌گیرد هیچگونه توضیحی از جانب صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران داده نشده است. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بدون موافقت شرکت‌کنندگان در بحث ، سیاسی و بدون ذکر دلیل از ادامه این بحث که مورد توجه فراوان مردم قرار گرفت خودداری کرد و - هنوز هم پاسخی برای پرسشهای مکرر خود ، در این باره دریافت نکردیم. بحث اقتصادی هم با وجود اصرار و یادآوری مکرر نمایندگان حزب توده ایران ، جنبش‌مسلمانان مبارز و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به عللی که هنوز بر ما روشن نیست اصلاً "آغاز نشد. به اینترتیب دیده می‌شود که تمام قرارها و توافقات بدون استثناً از طرف سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و افراد و -

سازمانهایی غیر از حزب توده<sup>۱</sup> ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و جنبش مسلمانان مبارز نقض شده است. و اما درباره<sup>۲</sup> علت قطع بحث ایدئولوژیک پس از جلسه هفتم هم باید گفت که توضیح صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران بر خلاف واقعیت است. در این زمینه باید یاد آوری کنیم اول اینکه همانطور که از جریان بحث در پایان جلسه هفتم کاملاً<sup>۳</sup> مشهود است از طرف مجری برنامه<sup>۴</sup> بحث ایدئولوژیک و آقایان مصباح و سروش به طور غیر منتظره‌ای این مطلب پیش‌کشیده شد که بهتر است از ادامه بحث در مسیری که تا کنون جریان داشت خودداری شود و بدون بحث در مسائل بنیادی مانند شناخت و ماتریالیسم تاریخی و غیره به آخرین مرحله این بحث یعنی روح و ماده جهشی انجام گیرد. در صورتیکه قبلاً<sup>۵</sup> قرار بود که درباره<sup>۶</sup> بخش پایانی بحث دیالکتیک یعنی شناخت و ماتریالیسم تاریخی بحث‌های جداگانه‌ای انجام گیرد. ما به زحمت می‌توانیم تردید کنیم که این تلاش برای بیرون کشیدن بحث از مجرای منطقی گذشته و انداختن آن در مجرای جدیدی که بویژه در جو سیاسی تغییر یافته هفته‌های اخیر میتواند بسیار زیان بخش باشد از پیش‌بینی نشده باشد. انعطاف ناپذیری طرف‌های بحث بویژه آقایان سروش و نماینده صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران خود دلیلی بر درستی این تردید ماست. اقدام یکجانبه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در قطع بحث و محتوای اطلاعیه غرض‌آلود هم دلیل دیگری بر درستی این تردید است. واقعیت این است که در پایان جلسه هفتم بحث ایدئولوژیک از طرف نماینده حزب توده<sup>۷</sup> ایران بیان شد که حزب ما از همان آغاز هوادار گنجاندن بحث ایدئولوژیک در برنامه بحث آزاد نبوده است، ما همیشه یاد آورده شدیم که حزب توده<sup>۸</sup> ایران یک حزب سیاسی انقلابی هوادار حقوق زحمتکشان است. حزب توده<sup>۹</sup> ایران نه یک حزب مذهبی است و نه یک حزب ضد مذهبی است. حزب توده<sup>۱۰</sup> ایران به پیروی از اصول عقاید خود به عقاید مذهبی توده‌های دهها میلیون مردم احترام می‌گذارد و هیچگونه ستیزی با اعتقادات مذهبی مردم ندارد و نمی‌تواند داشته باشد. درهای حزب توده<sup>۱۱</sup> ایران حتی بروی افراد معتقد مذهبی که برنامه<sup>۱۲</sup> حزب را که برنامه<sup>۱۳</sup> سیاسی - اجتماعی است بپذیرند، باز است. هدف اساسی حزب ما جلب حمایت همین توده‌های - میلیون زحمتکشان مذهبی برای انجام دگرگونی‌های بنیادی اجتماعی به سود آنهاست. ولی با وجود مخالفت اصولی با سودمند بودن این بحث در سیما جمهوری اسلامی ایران<sup>۱۴</sup> نماینده حزب توده<sup>۱۵</sup> - ایران تصمیم در این باره را موکول به تصمیم رهبری حزب توده<sup>۱۶</sup> ایران نمود. ما بلافاصله کوشش کردیم با مسئولان شورای سرپرستی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران تماس بگیریم و درباره<sup>۱۷</sup> مشکلی که پیش آمده تبادل نظر کنیم. ولی متأسفانه از طرف این شورا امکان این تبادل نظر به ما داده نشد و تنها شفاهاً<sup>۱۸</sup> بما اطلاع داده شد که ما را مطلع خواهند کرد. ما هنوز هم در انتظار خبر شورای سرپرستی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران هستیم. اینک با کمال تأسف مشاهده می‌شود که نیروهای معینی

موفق شده‌اند نظر خاص و در هر حال دشمنانه و کین‌توزانه خود را نسبت به حزب توده\* ایران به صورت این تصمیم شورای سرپرستی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در آورند . بنظر ما پخش نشدن بحث‌های ضبط شده سیاسی ، جلوگیری يك جانبه از ادامه بحث سیاسی ، امتناع از انجام بحث اقتصادی و قطع بهانه جویانه بحث ایدئولوژیک بدون توافق شرکت‌کنندگان در بحث همه اجزای يك برنامه واحد هستند . ما متأسفیم که شورای سرپرستی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران که با ابتکار بسیار ارزنده\* خود درباره\* انجام بحث آزاد گام مهم و مثبتی برداشت مجری این برنامه شده است . این - موضح‌گیری دشمنانه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران علیه حزب توده\* ایران بویژه وقتی تعجب‌آورتر می‌شود که بدانیم این شیوه\* ناشایسته درست در زمانی بکار می‌رود که نامه\* مردم ارگان مرکزی حزب - توده\* ایران بدون دلیل قانونی و ناعادلانه توقیف شده و روزنامه‌های کثیرالانتشار نیز از درج توضیحات و اعتراضات ما خودداری می‌کنند . در پایان ما بطور روشن اعلام میداریم که حزب توده\* ایران برای ادامه\* بحث آزاد در همه\* زمینه‌هایی که توافق شده آمادگی کامل دارد و تنها بر این عقیده است که برگزیدن موضوع مشخص هر بحث باید با موافقت طرفین بحث و با در نظر گرفتن کلیه شرایط سیاسی و اجتماعی کشور طوری انجام گیرد که نتیجه\* آن در جهت تحکیم اتحاد همه نیروهای انقلابی پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبان استقلال همه جانبه ، آزادی و دگرگونیهای بنیادی - اجتماعی بسود محرومان میهن ما باشد . در شرایط کنونی نبرد زندگی و مرگ جمهوری اسلامی ایران با امرکای جنایتکار و یاران ایرانی مسلمان نما و چپ‌نمایش سمت‌گیری هر عمل سیاسی و اجتماعی از جمله بحث آزاد در مباحثات ایدئولوژیک باید تجهیز هر چه وسیعتر نیروهای مردمی برای شرکت متحد علیه این دشمنان خطرناک انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باشد ، نه در جهت نفاق و تفرقه و طرح مسائلی که توجه نیروهای مبارز را از دشمن اصلی در خارج و داخل کشور منحرف سازد . ما توجه شما را به ویژه به دو رهنمود تاریخی امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران جلب می‌کنیم :

۱- از سخنان امام خمینی در برابر نمایندگان سازمان بنادر و کشتیرانی در بهمن ماه

۱۳۵۹ نقل از روزنامه\* اطلاعات مورخ ۱۴ تیرماه ۱۳۶۰

اگر مسلمانید بخاطر اسلام متحد شوید و اگر خدای نکرده به اسلام اعتقادی ندارید بخاطر مصالح کشورتان دست از تفرقه بردارید و دست اتحاد و اتفاق بدهید . این رهنمود تاریخی امام خمینی درست در آستانه\* اوج گیری فعالیت جبهه امریکایی براندازی است که با حوادث ۱۴ اسفند ۵۹ تا ۲۵ خرداد ۶۰ مرحله به مرحله گسترش یافت .

۲- از سخنان امام خمینی در ۱۱ تیرماه ۱۳۶۰ :



نباید فراموش کنیم که در جنگ با امریکا هستیم . در جنگ با امریکا و تفاله های امریکا . این تفاله های که قالب زدند خود شانرا و ما غفلت کردیم . الان هم هستند . خط این بود که یکدسته شوروی را طرح می کردند تا امریکا منسی شود یکدسته الله اکبر را کنار می گذاشتند . سوت می زدند و کف می زدند آنهم در روز عاشورا . خط این بود که این قضیه مرگ بر آمریکا منسی شود .

حزب توده ایران ضمن اعتراض جدی به این شیوه برخورد صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران - انتظار دار که به پیروی از رهنمود امام خمینی در زمینه تبدیل سال جاری به سال قانون و بر طبق قانون مطبوعات در مقابل دهها و دهها گفتار سراسر تحریف و توهین و افترا که تاکنون در برنامه های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران علیه حزب توده ایران پخش شده است ، این نامه اعتراضی و توضیحی که دفاع مختصری بیش نیست در یکی از نزدیکترین برنامه های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به اطلاع مردم ایران برسد .

باتشکر و احترام      دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

همانطور که می دانید در دوران اخیر ، بخصوص پس از توقیف روزنامه "نامه مردم" ، این گونه حملات از گوشه و کنار نسبت به حزب توده ایران افزایش یافته است ، و همه امکانات برای پاسخگویی به این حملات که بعضی از آنها عمیقاً ناجوانمردانه است ، از ما گرفته شده است .

\* \* \* \* \*

سؤال شده است که دربارهٔ حوادثی که اخیراً در لهستان میگذرد و مسائلی که در آنجا مطرح است ، توضیحاتی بدهیم . مسئله لهستان مسئلهٔ بسیار بخرنجی است . در يك سری از تحلیلهایی که تا بحال در نشریات ما مطرح و چاپ شده ، چه تحلیلهایی که از طرف حزب ما داده شده است و چه تحلیلهایی که ما از منابع دیگری گرفته‌ایم ، برای نمونه از تحویل رفتای آمریکایی ، بعضی جنبه‌های بحرانی که کشور سوسیالیستی لهستان و حزب سوسیالیست کارگری لهستان با آن روبروست بیان شده است . بطور کلی ما باید اذعان کنیم که در پیدایش این بحران عوامل عینی و ذهنی مختلفی دخالت داشته‌اند . — مهمترین عامل عینی این بحران عبارتست از مقاومت اقشار وابسته به خرده بورژوازی ، به مالکیت فردی وسائل تولید ، به ویژه دهقانان مرفه و بخشی از خرده بورژوازی و یا اقشار مرفه در شهر . مقاومت این اقشار و نفوذ این اقشار اجتماعی در داخل حزب سوسیالیست کارگری لهستان ، و تحریک فوق‌العاده شدید و عمیق و همه جانبهٔ امپریالیسم جهانی از راه‌های گوناگون صورت می‌گیرد و عمده ترین آنها از — طریق کلیسای لهستان است ، که دارای نفوذ زیادی در مردم لهستان بوده است . به این ترتیب دو — عامل از لحاظ عینی موثر بوده است : یکی عاملی است که سرچشمه‌اش عبارتست از بقایای مالکیت فردی بر وسائل تولید در جامعه لهستان ، و دیگری هم عامل تحریکات امپریالیسم از راه‌های مختلف با استفاده از همهٔ امکانات در داخل بویژه از راه کلیسای کاتولیک لهستان . ولی در کنار این دو عامل عینی باید عامل ذهنی را که سرچشمه‌اش اشتباهات حزب رهبری کننده جامعه ، حزب کمونیست لهستان بوده و این عامل تاثير بسیار زیادی در اوضاع لهستان داشته است نیز در نظر داشت . تا حدی میشود گفت که آن عامل عینی اول ، یعنی بقأ مناسب تولیدی کهنه در اقتصاد کشاورزی و در بخشی از اقتصاد شهری ، خود محصول اشتباه رهبری حزب کمونیست لهستان بوده است که نتوانست بموقع به این مسئله توجه بکند که بقأ این عامل چه خطرات بزرگی را برای مجموعهٔ تحول اجتماعی در لهستان می‌تواند بوجود بیاورد . بطوریکه ما می‌دانیم مسئله اشتراکی کردن کشاورزی در لهستان از تمام کشورهای — سوسیالیستی نه تنها بطور نسبی بلکه بطور مطلق عقب مانده بود . در لهستان تقریباً آنطوریکه من بخاطر دارم بیش از ۲۰٪ ، شاید این عدد کاملاً " دقیق نباشد ولی بیش از ۲۰٪ از کشاورزی به بخش اقتصاد دولتی یا اقتصاد تعاونی ارتقا پیدا نکرده بود . نزدیک به ۸۰٪ اقتصاد کشاورزی بر پایهٔ همان اقتصاد فردی ، مالکیت فردی ، یعنی دهقانان ، و بیشتر هم دهقانان مرفه اداره می‌شد . خوب این برای کشوری که هنوز در آنجا اقتصاد کشاورزی و جمعیت کشاورزی وزن سنگینی در اقتصاد دارد ، می‌توانست مشکل بزرگی را ایجاد کند و ایجاد هم کرد . به این ترتیب این يك اشتباه بزرگ رهبری حزب کمونیست لهستان بود . اشتباه بزرگ دیگر این بود که رهبری حزب سوسیالیست متحد لهستان به

نفوذ عناصر سازشکار، عناصری که به سوسیالیسم علمی اعتقاد کامل نداشتند در داخل حزب به معنی واقعی خود توجه طولانی نکرده ، یعنی طی دوران طولانی درهای حزب را باز گذاشته بود که انواع و اقسام عناصر فرصت طلب ویدون اعتقاد به سوسیالیسم علمی وارد حزب بشوند و این عناصر توانستند که در نقاط مختلفی ، در دستگاه دولتی بخصوص در بخش اقتصاد دولتی نفوذ پیدا بکنند و در آنجا تاثير منفی شدید خود را باقی بگذارند . و سوم اشتباه بزرگی است که رهبری حزب کمونیست لهستان در دولت لهستان در مسئله گرفتن قرضه از کشورهای امپریالیستی مرتکب شد که به میزان غیر قابل تحمل برای اقتصاد لهستان و در نتیجه ایجاد يك عامل بحران را در اقتصاد سوسیالیستی لهستان مؤثر بود . مسلم این است که کشورهای سوسیالیستی می توانند از کشورهای سرمایه داری بزرگ وام های اقتصادی و کمکهای فنی بگیرند ، البته نه به معنی کمک ، بلکه بعنوان مناسبات اقتصادی ، و بعد هم آنها را توسعه اقتصاد خود باز پرداخت کنند . از این امکان همه کشورهای سوسیالیستی استفاده کرده اند و میتوانند باز هم استفاده کنند ، ولی بهره گیری از چنین امکانی باید کاملاً " دقیق و در چهارچوب امکانات اقتصادی خود کشور باشد ، و بهیچوجه به عنوان يك عامل بیمار کننده نتواند وارد اقتصاد شود و آنها دچار بیماری کند . این اشتباه رهبری حزب کمونیست لهستان و رهبری دولت لهستان هم کمک خیلی زیادی کرد به انتقال بحران و ایجاد يك بحران دیگر در داخل لهستان ، در دوران اخیر اقتصاد دنیای سرمایه داری بطور کلی وارد يك مرحله بحرانی شدیدی شده و به این ترتیب این بحران به چند برابر به اقتصاد لهستان منتقل شد . باین ترتیب ما می بینیم که جمع این عوامل عینی و ذهنی وضعی را در لهستان به وجود آوردند که ثبات نظام سوسیالیستی را در لهستان مورد تهدید قرار داده و دچار بحران جدی گردید . در این لحظات بحرانی اگر در حزب ، از لحاظ برخورد مارکسیستی به مسائل ، انسجام کاملی وجود می داشت ، اشکالات ممکن بود خیلی آسانتر برطرف شود . ولی بازماندن دوران طولانی درهای حزب و تمام مقامات حزبی برای رسوخ افراد فرصت طلب و رویزیونیست و غیر معتقد به اصول مارکسیسم لنینیسم باعث شد که در داخل حزب هم يك بحران جدی ایدئولوژیک بوجود بیاید و عناصر فرصت طلب و رویزیونیست بتوانند مواضع مهم قدرت را در اهرمهای داخل حزب بدست گرفته و با استفاده از این مواضع قدرت بتوانند سیاست حزب را بطور کلی دچار تزلزل و بی ثباتی کنند . آنطوری که ما اطلاع داریم قرار است کنگره حزب در ماه ژوئیه تشکیل شود ، نیروهای جدی وفادار به سوسیالیسم علمی در داخل حزب معتقد هستند که تشکیل کنگره در این شرایط صلاح نیست . زیرا امکان اینکه در این شرایط رویزیونیست ها و عناصر ضد سوسیالیست حتی بتوانند با عوام فریبی و با وارونه جلوه دادن واقعیات به مواضع کلیدی باز هم مهمتری در داخل

حزب دست یابند و سیاست حزب را بطور کلی در جهت انحرافی سمت بدهند وجود دارد که این — می تواند خطرات جدی برای خود حزب و در نتیجه برای تمام جامعه سوسیالیستی و برای سوسیالیسم در لهستان بوجود بیاورد . از این جهت است که اکنون ، آنطوریکه شاهد هستیم ، بحثهای خیلی پرشوری در داخل حزب ، طی کنفرانسها در جریان است که بین نیروهای واقعا " راستین هوادار سوسیالیسم علمی و کمونیستهای واقعی از یکسو و فرصت طلبان و رویزیونیستها از سوی دیگر صورت می گیرد . رویزیونیستها در بسیاری از مواضع با استفاده از اهرمهای حزبی ، موفق شده اند که کمونیستهای واقعی را از مقامات رهبری محلی و مرکزی حزب حتی برکنار کنند و این همان پدیده های نگرانی آوری است که اکنون در لهستان ما در مقابلش قرار گرفته ایم . ولی علیرغم همه این مشکلات ما امیدوار هستیم که نیروهای سالم کمونیست در لهستان با کمک همه جنبش جهانی کمونیستی بتوانند بر این دشواریها چیره شده و به بحران موجود در لهستان پایان دهند تا باز هم زندگی ، یعنی روند طبیعی گسترش موزون و هماهنگ جامعه سوسیالیستی بتواند ادامه پیدا کند و نیروهای ضد — سوسیالیستی که در دوران اخیر خیلی میدان پیدا کرده اند و به تحریکات وسیع غنی با استفاده از — روزنامه و حتی رادیو و تلویزیون برضد سوسیالیسم دامن می زنند ، قلع و قمع شوند و سوسیالیسم در — جاده تکامل خودش تثبیت گردد . این امید ماست ولی البته بایستی اینجا بگویم که این گونه دشواریها در تاریخ بزرگ دوران ما که دوران گذار سرمایه داری به سوسیالیسم است ، جنبه های موضعی و موقتی دارد ، یعنی کوتاه مدت است . در تمام دوران ۶۴ سالهای که از عمر سوسیالیسم می گذرد ، بار — اول نیست که با این نوع گرفتاریها روبرو می شود . ما باید این حساب را بکنیم که از عمر جوامع طبقاتی چندین هزار سال <sup>میگذرد</sup> توانسته است یک نظام فوق العاده آبدیده و جا افتاده برای خویش بنا نهد . ولی جامعه سوسیالیستی ، یعنی جامعه ای که استثمار در آن از بین رفته و یا میرود ، جامعه ای که بکلی تغییرات بنیادی در ساختار اجتماعی و دولتی بوجود می آورد ، جامعه ای نو و تازه است — تمام قوانین و مقررات و بستگیهای داخلی آن جامعه باید تماما " از نو ساخته شود و برای هیچیک از آنان تجربه تاریخی وجود ندارد . و بدون تجربه های تاریخی ، ساختن یک جامعه نو ، اگر هیچگونه دشواری هم از خارج وجود نمی داشت باز هم خیلی مشکل بود . و حال اینکه می دانیم که سوسیالیسم از همان روز نخستی که ، اولین پیروزی را بدست آورد با بزرگترین فشار جنایت آمیز و تخریبی از طرف سرمایه داری بین المللی ، از طرف تمام ارتجاع بین المللی از طرف تمام آن جامعه — های طبقاتی ، نظام های طبقاتی کهنه و عقب افتاده که وجود خود را از جانب سوسیالیسم به خطر می دیدند ، مورد هجوم قرار گرفت و این سیاست تخریبی ۶۳ سال است که در همه زمینه ها دنبال — می شود . از این نوع که ما پیروز شاهد بودیم یعنی بمب گذاری و کشتن رهبران جنبش انقلابی گرفته

تا تخریب اقتصادی ، محاصره اقتصادی ، و از بین بردن کارخانجات ، ترکاندن کارخانجات و غیره  
 غیره . با همه این گرفتارها روبرو بوده است و هنوز هم روبرو است . و سرمایه داری بین المللی ،  
 سرمایه داری انحصاری تمام نیروهای جهانی خویش را در درجه اول بکار می برد برای اینکه سوسیالیسم  
 را در کشورهای سوسیالیستی از درون مورد ضربه قرار دهد . به اینجهت این مسائل خیلی غیر طبیعی  
 و غیر عادی هستند . در عین حالی که ما از وقوع این نوع حوادث متاسف هستیم ولی با خونسردی  
 کامل با آنها روبرو می شویم و مطمئن هستیم که طیرغم تمام این دشواریها باز هم سوسیالیسم نه فقط در  
 مقیاس جهانی ، بلکه در این کشورهایی هم که دچار دشواری و بحران می شوند راه خود را باز خواهد  
 کرد و به پیش خواهد رفت ، زیرا مبنای جامعه سوسیالیستی است و به همین دلیل این بحرانها را  
 می تواند از سر بگذراند . ما نمونه هایی از این نوع را قبلا " در دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز  
 دیده ایم و نیز دیدیم که بحران بالاخره خاتمه پیدا کرد و راه رشد سوسیالیستی پیروز شد . و در  
 لهستان هم ما فکر می کنیم که به همین صورت خواهد بود . این دشواریها همانطور که گفتیم موضعی است ،  
 موقتی است و در دوران خیلی بخرنج گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم پیش می آید . دشمنان  
 سوسیالیسم خیلی کوشیده اند و می کوشند که از این گونه بحرانها ، جنجالهای عجیب جهانی بسازند و  
 جو عجیب تبلیغاتی درست کنند . ما ۶۴ سال است ، یعنی تمام طول تاریخ زندگی سوسیالیسم در دنیا ،  
 که با این شیوه " بهره گیری امپریالیسم جهانی از ضعفها ، کمبودها ، اشتباهات و نواقص روبرو هستیم .  
 فراموش نکنیم بجز از گفته های معروف لنین را که درباره " بعضی ایراد هلمی که گرفته می شد مبنی بر اینکه  
 در فلان جادر جریان ساختمان سوسیالیسم اشتباه شده است . جوابی که اه به آنها میدهند تقریبا "  
 در يك جمله این است که ، آن کمونیستهایی را باید بکلی گمشده به حساب آورد که تصور می کنند  
 که ما بدون اینکه چندین بار آنچه را که ساخته ایم ، بکلی خراب بکنیم و دو مرتبه از نو سازیم ، قادر  
 به ساختن بنای سوسیالیسم هستیم . چنین چیزی غیر ممکن است . یعنی کاملا " طبیعی است که  
 سوسیالیسم در راه پیدا کردن آن نظام تازه ای که بایستی جانشین این نظام چندین هزار ساله "  
 طبقاتی بشود ناگزیر خواهد بود که راههای گوناگونی را آزمایش کند که در تاریخ تا کنون آزمایش  
 نشده اند و احتمال اینکه در اینجا و آنجا اشتباه کند و مجبور شود که اشتباه خود را ترمیم کند و آنچه  
 را که ساخته دو مرتبه خراب کند و از نو سازد وجود دارد ، این کاملا " طبیعی و قانونمند است و ما  
 فقط به این شادی خارج از اندازه دشمنان سوسیالیسم باریشخند پاسخ می دهیم که : روسیاهی به  
 زغال خواهد ماند و اجازه بدهید که جوجه ها را آخر پاییز بشمریم . من باز اینجا یاد آوری می کنم که  
 اول سالهای ۷۰ هم يك چنین وضعی در دنیا پیدا شده بود . خوب یادمان هست که اواخر سالها ،

۶۰ یعنی در سال ۱۹۶۸، جریان چکسلواکی به وجود آمد. آنجا دشواریهایی نظیر همین دشواریهایی که الان در لهستان وجود دارد، بوجود آمد. آنوقت نیز سرمایه داری بین المللی چه خوشحالی ها کرد از اینکه گویا دیگر سوسیالیسم ناپود شد و از بین رفت. سه سال ۷۰ يك تهاجم وحشتناك دیگر امپریالیسم امریکا در دنیا شروع شد. امپریالیسم امریکا تهاجم وحشیانه و جنایتبار خود را علیه ویتنام شروع کرد، مومی پنداشت که دیگر یکی بعد از دیگری کشورهای سوسیالیستی را به زانو در خواهد آورد. بعضی ها را مانند چکسلواکی و بعضی ها را با شرکت فعال در يك تجاوز نظامی، مثل ویتنام. ولی خوب، چوچه را آخر پاییز می شمرند. حالا نیز در اواخر سالهای ۷۰، ما می توانیم حسابهایمان را با امپریالیسم دیکریکد و رومور کنیم. اواخر سالهای ۷۰ به این ترتیب گذشت که امپریالیسم امریکا در اروپا، در چکسلواکی بکلی ناکام گردید و پوزهاش به خاک مالیده و تمام تحریکاتش با ناکامی رو برو شد. چکسلواکی يك کشور سوسیالیستی باقی ماند و با سرعت کم سابقهای به رشد و تکامل سوسیالیستی خود ادامه داد و ویتنام مورد تجاوز و زیاده مشتی محکمی تبدیل شد که مغز امپریالیسم جهانی را تکان داد. امپریالیسم با افتضاح تمام از ویتنام بیرون رانده شد و آن شکست دنیایی را که در تاریخ ۲۰۰ ساله امپریالیسم امریکا بی سابقه بوده است وارد آورد و بدنیال آن شاهد يك تحول عظیم در دنیا هستیم که یکی از حلقه های آن، انقلاب شکوهمند میهن خود ماست. به این ترتیب ما می بینیم که در سالهای ۷۰ چندین پایگاه ترلز ناپذیر امپریالیسم بطور مفتضحانه ای از دستش خارج شد. پایگاه جنوب شرقی آسیا و ویتنام جنوبی، پایگاه جنوب آفریقا در شکل موزامبیک و آنکولا و ماداگاسکار از دست امپریالیسم خارج شد. در آفریقا همچنین چند پایگاه مهم دیگر نیز مانند اتیوپی و بنین از دستش رفت. در کشورهای مثل لیبی و سوریه و الجزیره تحول بطرف دوستی با ارد و گاه سوسیالیسم و تقویت همکاری با کشورهای سوسیالیستی به میزان بی سابقه ای تقویت پیدا کرد، در افغانستان انقلاب پیروز شد، در ایران انقلاب شکوهمند بوقوع پیوست. و به همین شکل این جریان اکنون نیز دنبالش میشود و بعنوان مثال اکنون می بینیم که امریکا پس از گذشت یکسال هنوز موفق نشده است که در کشور کوچک السالوادور، حاکمیت هواداران را تثبیت کند. و این بعد از نیکارگو ضربه دومی است که به امپریالیسم در امریکای لاتین یعنی نقطه ای که امپریالیسم امریکا تسلط مطلق شیطنی و جهنمی خویش را برقرار کرده است، وارد آمده است. به این ترتیب ما به آینده جهان بسیار خوشبین هستیم. یعنی طیرغم این که امریکا در بسیاری از جبهه ها، علیه نیروهای آزادی بخش ضد امپریالیستی، و علیه جبهه ضد امپریالیستی جهانی و علیه شوروی، در خاور میانه علیه لیبی و سوریه، در ایران علیه انقلاب ایران،

در افغانستان علیه انقلاب افغانستان ، در جنوب شرقی آسیا علیه ویتنام و غیرو غیره ، دست به  
 تهاجم زده است . ما فکر می کنیم که در دهه ۸۰ باز هم جوجه ها را آخر پائیز خواهند شمرد و  
 روسیاهی زیادی به امپریالیسم و وابستگی در دنیا خواهند گذاشت . ما به جریان لهستان در -  
 همین چهار چوب نگاه می کنیم .

\* \* \* \* \*

سئوالاتی شده است درباره نظر ما در زمینه قانون احزاب و قانون معاملات مسکن که از طرف مجلس تصویب شد و بعد از طرف شورای نگهبان در آن تخییراتی بوجود آمد و این تخییرات هم در مجلس دومرتبه به تصویب رسید. من کوشش می‌کنم که در این دو مورد نظر حزب توده ایران را بیان کنم.

درباره قانون معاملات مسکن، بنظر ما با کمال تأسف با حذفی که در سه مورد از طرف شورای نگهبان به عمل آمده، بنظر ما این قانون تقریباً به شیرینی یال و دمی تبدیل شده است. یعنی واقعیت این است که این قانون هیچ ضمانت اجرایی برای جلوگیری از تقلبهای صد رنگی که معمولاً سرمایه‌دارها مرتکب می‌شوند برای اینکه با حقه‌بازی و نیرنگ کار خودشان را انجام دهند در نظر نگرفته است. و قانونی که هیچگونه ضمانت اجرایی برای جلوگیری از عمل خلاف نداشته باشد، به یک چیز غیر واقعی تبدیل می‌شود. در این قانون ماده‌ای هست مبنی بر اینکه افرادی که خانه نداشته باشند و بتوانند که ثابت کنند که خانه ندارند، یعنی فقط بیایند و ادعا بکنند که خانه ندارند، می‌توانند که خریدار خانه بشوند. در طرحی که قبلاً تصویب شده بود، یک ضمانت اجرایی برای این ماده گذاشته شده بود مبنی بر اینکه اگر معلوم شود که این شخص دروغ گفته و به دروغ یک خانه جدید خریده است که معامله بنماید، آن معامله غیرقانونی است و آن فرد هم مجازات می‌شود. خوب این کاملاً قابل فهم است. ما هنوز از شورای نگهبان توضیحی نشنیدیم که به چه علت این مخالف قوانین اسلام، یا مخالف قانون اساسی است، که این ماده را توصیه به حذف کرده یا اینکه لاقول رأی به نادرستی این ماده داده که منجر به حذف آن گردیده است. آن ماده به این صورت تبدیل شده است که اگر شخصی خانه‌ای را به تقلب خرید به او تا مدتی برق و گاز و تلفن و آب نخواهند داد. ما خوب میدانیم که در شرایط کنونی جامعه ایران، اولاً پیدا کردن چنین تقلبی فوق‌العاده دشوار است. یعنی هم پیدا کردن این تقلبها دشوار است، هم اینکه اگر فقط نتیجه آن این باشد که برای مدتی برق و آب و گاز این خانه قطع شود آنهم می‌دانیم که چه شیوه‌هایی برای اینکه برق و آب و گاز گرفته بشود، بکار برده می‌شود. همین پریروز در روزنامه‌ها خواندیم که وزارت نیرو در صداست علیه کسانی که از برق قاچاق استفاده می‌کنند اعلام جهاد نماید. به این ترتیب برای کنترل این دزدها و قاچاقچی‌ها وسفته‌بازها سازمان عظیمی نیاز است که کنترل بکند که واقعا آنها از راههای کوناگون به این برق و آب و گاز دسترسی پیدا نکنند. و این ماده بنظر ما فوق‌العاده سبک و غیر عملی است و دست‌سفته‌بازان و متقلبین را برای معامله‌های پشت‌سرهم باز خواهد کرد. به این دلیل که شخصی که با تقلب خانه‌ای را خریده، بعد می‌تواند به یک آدم درست و حسابی بفروشد و در نتیجه ۵۰ هزار تومان، ۱۰۰ هزار تومان، ۲۰۰ هزار تومان سود ببرد. خوب به آن شخص بد بخت دومی که خانه را خریده و شخص متقلبی هم نیست، دیگر نمی‌توانند برق و آب و گاز بزنند. مجبور خواهند شد به خریدار تازه برق و آب و گاز بدهند پس مسئله قانون بکلی سنبل میشود. یعنی خریدار



مقتضی که در این میان این تغلب را انجام داده، میتواند بعنوان اینکه من خانها را احتیاج ندارم، می‌خواهم عوض بکنم، می‌خواهم به شهر دیگری بروم، یا هزار حقه بازی دیگری که میتواند در لابلای سطور این قانون پیدا بکند، و از هرگونه مجازاتی فرار بکند و خانه را بفروشد. به این ترتیب، فکر می‌کنیم که این ماده جز به زیان این قانون نتیجه دیگری نداشته است. در مورد اجاره دادن خانه‌های خالی نیز در موادی که تصویب شده بود، بسیار ارزنده بود، خانه‌های خالی که تعدادشان نیز در تهران زیاد است و حدس زده می‌شود که تا ۱۰۰ هزار واحد مسکونی خالی اکنون در تهران وجود داشته باشد و با احتیاج مبرمی که مردم به خانه دارند، میبایستی اقدامی در این زمینه انجام بگیرد. صاحبان این خانه‌ها، خانه‌ها را اجاره نمی‌دهند و حالا می‌خواهند با قیمت‌های گزاف بفروشند و یا اگر هم اجاره بدهند، ۱۰۰ هزار تومان، ۱۵۰ هزار تومان برای یک خانه مسکونی ۲ اتاق خوابه بعنوان فقط پیش قسط یا بعنوان وجهی که حتی قبض برای آن نمی‌دهند و یا بعنوان وجه الضمان می‌خواهند دریافت کنند. و خوب اگر در اینجا ماده‌ای وجود داشت که براساس آن اگر در عرض یک ماه، دو ماه، سه ماه هر قدر (می‌توان زمانش را کم یا زیاد کرد)، مالکی حاضر نشد خانه را اجاره بدهد، بعد از شناسایی، دولت حق داشته باشد که از طرف او اینکار را انجام بدهد. ماده بسیار ارزنده‌ای بود برای جلوگیری از این فشاری که صاحبان خانه که اکثرا همان بورژوازی ملی هستند که همان وابستگان به این طیف براندازی هستند و از آن پشتیبانی می‌کنند نسبت به افراد بی‌خانه که معمولاً از قشرهای پایینی اجتماع هستند، از قشر محرومان جامعه، چه آنهایی که روشن فکر هستند، چه کارگر هستند، اعمال می‌کنند. با این ماده هم متأسفانه شورای نگهبان مخالفت کرده و در نتیجه در مجلس این حذف شده است. سوئین حذفی که از طرف شورای نگهبان انجام گرفت، مسئله کنترل و بررسی قیمت‌های خانه است. جلوگیری از اینکه صاحبان خانه نتوانند با بالا بردن قیمت خانه محتاجان به مسکن را غارت بکنند. اینهم از قانون حذف شده، بدون اینکه هیچگونه کنترلی باشد و ماده دیگری تصویب شده که در عرض سه ماه دولت طرح جامعی برای حل مسئله مسکن عرضه کند، که ما عقیده نداریم که در شرایط کنونی، واقعا در عرض سه ماه دولت بتواند چنین طرحی را تهیه و یا اصلا در این زمینه اقدام خیلی جدی بعمل بیاورد. نتیجه این میشود که با کمال تأسف این قانون به شکلی که تصویب شد، خیلی از جهات مثبت آن طرحی را که در مجلس تصویب شده و مورد پذیرش وزارت مسکن هم قرار گرفته بود، فاقد است و همانطوریکه گفتیم تقریباً اثر خیلی زیادی در حل دشواری مسکن نخواهد داشت.

و اما درباره قانون احزاب، ارزیابی کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره قانون احزاب بزودی به صورت یک بیانیه به اطلاع شما خواهد رسید. بطور کلی ما عقیده داریم که قانون احزاب با کمال تأسف نسبت به آنچه که تاکنون از طرف مقامات مهم اجتماعی اظهار شده و همچنین نسبت به قانون اساسی، مصوبات

شورای عالی قضایی، گفته‌های خود امام و اعلامیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب که مورد تأیید و پشتیبانی تمام مقامات مهم کشور از جمله رئیس مجلس و رئیس دولت قرار گرفته است، جنبه‌های جدی محدود کننده و منفی دارد. به نظر ما این قانون به این شکل که تصویب شده است، نمی‌تواند جواب‌گوی محتوای قانون اساسی ایران باشد که در آن شرایط مجلس خبرگان با همان موضعگیریهما به تصویب رسانده است.

محدودیت‌های بسیار زیادی برای فعالیت احزاب و سازمانها، به‌ویژه احزابیکه دیگراندیش هستند و رسماً مذهبی نیستند، در نظر گرفته شده که می‌تواند احیاناً مورد سوءاستفاده مقامات اجرایی قرار گیرد و اینکه واقعاً جلوی اینگونه سوءاستفاده‌ها در آینده به نفع تحکیم آزادی و به زیان سمت‌گیریهای ضد آزادی گرفته شود، بسیار سؤال انگیز است و ما به دشواری می‌توانیم تأیید بکنیم که این قانون بتواند جوابگوی تمام آن چیزیهی باشد که طرفداران آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای پشتیبان انقلاب و تأیید کننده جمهوری اسلامی، از گفته‌های امام و از قانون اساسی و آنچه که در مجلس خبرگان مورد بحث و تصویب و تأیید قرار گرفته، برداشت کرده‌اند. ما نمی‌توانیم این قانون را تأیید بکنیم و به این دلیل امیدوار هستیم که شورای نگهبان قانون اساسی، به این نکات توجه کرده و در مواردی که این قانون بطور مشخص با قانون اساسی مغایرت دارد، نظر غیر تأییدی خویش را اعلام کند تا بتوان در مجلس، طی شور بعدی این نقش‌ها و ضعف‌ها را برطرف کرده و قانونی را به تصویب رساند که شایسته جمهوری اسلامی ایران با تمام آن برنامه‌های که در دوران نخست‌پرشور و انقلابی خویش مطرح کرد، باشد. این است بطور کلی نظر ما درباره این قانون. ولی در هر حال اگر این قانون به‌همین شکل هم تصویب شود بایستی که احزاب و سازمانهایی که برای آزادی مبارزه میکنند، تلاش کنند که در چهارچوب این قانون از هرگونه زیاده‌روی مراجع مختلف اجرایی جلوگیری نمایند و تمام هواداران آزادی نیروهای خود را متشکل کنند تا نگذارند از نکات ابهامی که در این قانون وجود دارد به زیان آزادی، بهره‌گیری شود.

\* \* \* \* \*

در این روزها از طرف رادیوی صدای آمریکا و رادیوی اسرائیل خبری تحریک آمیز منتشر شد مبنی بر اینکه کیانوری کاندید ریاست جمهوری ایران است. و این خبر ظاهراً از طرف آژانس پارس به روزنامه‌های ایران داده شد و در روزنامه اطلاعات و کیهان (یکی از آنها و یا هر دو آنها) نیز منعکس گردید. انعکاس یک چنین خبر دروغ تحریک آمیزی از طرف رادیوی اسرائیل و رادیوی آمریکا یا بی‌بی‌سی یا هر کدام از این مراجع تبلیغاتی امپریالیستی و ضدانقلابی، کاملاً قابل فهم است. ولی انعکاس آن در روزنامه‌هایی که خود را طرفدار جمهوری اسلامی ایران می‌دانند، برای ما واقعاً قابل فهم نیست. یعنی این سؤال برای ما قابل درک نیست که چطور یک چنین خبری که عدم صحت آن برای هر نویسنده

روزنامه اطلاعات و کیهان نیز مشخص است و لاقلاً میتوان بایک تلفن صحت و سقم آنرا جویا شد در روزنامه چاپ و در صد ها هزار نسخه در ایران پخش می شود . این برای ما واقعا عجیب است . من فقط جواب اینرا با همان گفته امام می توانم بدهم ، که با تفاله های آمریکا در جنگ هستیم که خود شانرا به ما جا زدند و هنوز هم هستند . و توصیه ما به رهبران این روزنامه ها این است که آیا واقعا وقت این نیست که جلوی اینگونه دروغپردازیها را در روزنامه های خود بگیرند ؟ ادامه این شیوه فقط باعث تنزل ارزش واقعی این روزنامه ها خواهد گردید . من در یکی از گفته های چند وقت پیش با صراحت گفتم ( که حتما به اطلاع این نویسندگان می رسد ) که این خبر را در روزنامه جا زدند نیز رسیده است ) که ما رسماً گفته ایم که با توجه به آنچه که در قانون اساسی درباره ریاست جمهوری آمده است ، اصلاً مسئله اینکه از طرف حزب توده ایران کاندیدی برای ریاست جمهوری مطرح شود ، مطرح نیست . اینرا ما با کمال صراحت گفتیم . برای نمایندگی مجلس چون در قانون اساسی محدودیتهایی که با صراحت برای ریاست جمهوری مطرح است ، وجود ندارد ما کاندید دادیم و در انتخابات آینده هم باز در نقاطی که صلاح بدانیم ، کاندید خواهیم داد ، و همچنین انتخابات میان دوره ای . ولی در مورد ریاست جمهوری ، هم بار پیش و هم این بار ، ما کوشش کردیم که در بین آن کاندیدایی که مطرح هستند و در چهارچوب قانون اساسی می توانند مطرح شوند . ( دفعه پیش وزارت کشور و در این دفعه شورای نگهبان انطباق کاندید بودن آنها را با قانون اساسی تشخیص میدهد و اعلام خواهد کرد ) بکاندیدائی رأی بدیم که بنظر ما در آن ویژگیها و صلاحیتی است که در شرایط کنونی انقلاب ایران میتواند به تعهد تاریخی خویش که عبارتست از ادامه خط امام خمینی وفادار باقی بماند . در دفعه گذشته هم به همان علت و با این ارزیابی در بیستم کاندیداهای موجود ما فردی را انتخاب کردیم که بنظر ما کسی بود که می توانست در راه امام با وفاداری باقی بماند و تاریخ هم ارزیابی ما را دقیقاً مورد تأیید قرار داد . این بار هم ما به همان شکل عمل خواهیم کرد و بزودی نظر رسمی حزب درباره شرکت ما در انتخابات ریاست جمهوری ، اعلام خواهد شد و همان طوریکه گفتم ما برای توصیه امام مبنی بر شرکت همه جانبه در انتخابات ارج زیادی قائلیم و با احترام این توصیه امام را اجرا خواهیم کرد . یعنی فعالانه در انتخابات ریاست جمهوری شرکت خواهیم کرد برای اینکه به آن یاهو گوئیمها و خود محوربینی های بنی صدر ( که معتقد بود که گویا ۱۱ میلیون به او رأی دادند ) تودهنی محکمی بزنیم . ما هیچوقت اعتقاد نداشتیم که مردم به او رأی دادند و برای اینکه این افسانه هم در هم شکسته شود ما در انتخابات آینده فعالانه شرکت خواهیم کرد . نظراً بعداً منتشر خواهد شد . سؤال شده است که ما تغییری را که در فرانسه منجر به شرکت چهار وزیر از طرف حزب کمونیست فرانسه در کابینه جدید آن کشور شده است چطور ارزیابی می کنیم .

بطور خلاصه و مختصر اگر بخواهیم بگوییم ، ما تغییری را که در فرانسه پیدا شده خیلی مثبت ارزیابی

می‌کنیم و برای آن بعنوان عاملی جهت انجام يك سلسله تغيیرات، نه تنها در فرانسه بلکه در چهارچوب اروپای غربی اهمیت قابل ملاحظه‌ای قائل هستیم. البته نه به این مفهوم که گویا در تمام کشورهای اروپای غربی، تغيیری در جهت شرکت‌کمونیستهای در د ولتها آغاز شده است. نه ما در این چهارچوب نگاه نمی‌کنیم. بلکه در این چهارچوب نگاه می‌کنیم که فرانسه با يك چنین حکومتی که برپایه همکاری روی يك برنامه مشترکی بین سه نیروی چپ، یعنی حزب کمونیست، حزب سوسیالیست و رادیکالهای چپ بوجود آمده می‌تواند در مجموعه سیاست اروپای غربی در جهت تقویت آن گرایشهای به سمت تشنج زدایی در سیاست جهانی تأثیر مثبت و قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. کافی است ما به همین عامل نگاه کنیم که امپریالیسم آمریکا از این حادثه فوق‌العاده ناراضی است و این عدم رضایت خویش را با وقاحتی که از ویژگی‌های سیاست تجا و زکارانه آمریکا است ابراز داشته و اعلام کرده است. یعنی حتی امپریالیسم آمریکا دیگر خود را ملزم به رعایت شرایط پروتکل سیاسی و تشریفات سیاسی هم نمی‌داند و رسماً اعلام می‌کند که مخالف این است که کمونیستها در د ولت فرانسه شرکت کنند و جواب د ولت فرانسه را هم اگر ما تقریباً، پوسته‌اش را بکنیم عبارت از این است که فضولی به شما نیامده، حق دخالتی در امور داخلی ما ندارید، اینکه چه کسی در کابینه فرانسه شرکت کند امری است که به فرانسویها مربوط است و نه به آقای ریگان و دارو دست‌اش. خوب ما همین مسأله را خیلی مثبت ارزیابی می‌کنیم که در فرانسه نه فقط يك سیاست مستقلی در پیش گرفته شده است که به دستورات آمریکا توجه نکند، بلکه این سیاست آن حد پیش‌رفته است که سوسیالیست‌ها و رادیکالهای چپ، مسئله همکاری با کمونیستها را بعنوان عاملی برای تثبیت د ولتی که وظایف بسیار دشواری در مقابلش قرار گرفته است لازم و ضروری شمرند و به آن تن در دادند. البته د ولت فرانسه در مقابل وضع بسیار دشوار اقتصادی قرار گرفته که نتیجه فعالیت چندین ده ساله د ولتهای وابسته به انحصارهای بزرگ سرمایه‌داری است. بیکاری خیلی وسعت دارد، تورم بسیار شدید است، شرایط زندگی نسبت به گذشته برای زحمتکشان خیلی دشوارتر شده است. با همه این مسائل بایستی د ولت جدید فرانسه کلنجار رفته، و راه حل‌های عملی که بتواند مردم را، توده‌هایی را که بها و رأی دادند قانع کند، پیدا کند. حزب سوسیالیست و رادیکالها بخودی خود اکثریت مطلق نمایندگان مجلس را در دست دارند. درست است که این اکثریت با کمک حزب کمونیست بدست آمده است ولی می‌توانستند مثل نمونه‌هایی که در تاریخ هست زیر تعهداتی که قبلاً به عهده گرفته بودند بزنند و بگویند که ما دیگر احتیاجی به حزب کمونیست نداریم، با همین نمایندگان اکثریتی که در مجلس داریم که تقریباً د و سوم نمایندگان را در برمیگیرد، حکومت می‌کنیم. ولی حزب سوسیالیست و رادیکالها می‌دانند که در فرانسه هیچ برنامه‌ای را بدون اینکه پشتیبانی طبقه کارگر فرانسه را داشته باشد نمی‌توانند پیاد بکنند. اکثریت نیرومند طبقه کارگر فرانسه به حزب کمونیست فرانسه اعتماد و اعتقاد دارد و آنرا در حقیقت

نماینده منافع خویش میدانند \* به عبارت دیگر بدست آوردن پشتیبانی و همکاری طبقه کارگر فرانسه برای برنامه‌های اقتصادی که دولت باید برای حل مشکلات در پیش بگیرد ، بدون شرکت و پشتیبانی حزب کمونیست فرانسه از این اقدامات ، خیلی دشوار و شاید غیر ممکن است \* و بهمین دلیل هم ما فکری کنیم که سوسیالیستها و رادیکالها با وجود تمام فشاری که از خارج ، از تمام کشورهای هم جبهه فرانسه یعنی انگلستان ، آلمان فدرال و آمریکا بر آنها وارد آمده معذالک این همکاری را قبول کرده و به آن تن در دادند \* ما امید داریم که شرکت دوستان فرانسوی ما که همیشه نقش بسیار مهمی در سمت گیری سیاست فرانسه داشته‌اند که مسلماً تحت تأثیر کار حزب کمونیست فرانسه بوده است ، حالا که در دولت هستند لااقل این تأثیر را عمیق تر و وسیع تر به مورد اجرا بگذارند \* در سالهای گذشته هم سیاست دولت فرانسه با سیاست سایر کشورهای امپریالیستی در مسائل مربوط به صلح و در دنیا تفاوت‌هایی داشته و جنبه‌های مثبتی داشته است \* در هر صورت ما خیلی از این موفقیت بزرگ خوشحال هستیم و کامیابی برادران فرانسوی ما را بعنوان بخشی از حاکمیت کشور فرانسه و بخشی از دولت ، در نبرد بزرگی که در پیش دارند و در پیشبرد نقشه‌هایی که در پیش دارند ، خواستار هستیم \* البته این بستگی خیلی زیادی دارد به شرایط اجتماعی در فرانسه و به اینکه تا چه حد حزب سوسیالیست و رادیکالهای چپ در انجام تعهداتی که نسبت به زخمکشان فرانسه قبل از انتخابات تقبل کرده‌اند و بهمین دلیل هم پشتیبانی آنها را بدست آورند ، صادق و قاطع و پیگیر باقی بمانند \* البته ما این تجربه تلخ تاریخی را نیز داریم که این نیروهای بینابینی ، نیروهای سوسیالیست و سوسیال دمکرات معمولاً قبل از انتخابات تعهدات زیادی را نسبت به طبقه کارگر و سایر زخمکشان می‌پذیرند ، ولی بعداً بتدریج به اشکال مختلف از زیر این تعهدات شانه خالی کرده و هیچ تغییری بنیادی در جامعه دست نمی‌زنند و به همین جهت ما با احتیاط همه چیز را تلقی خواهیم کرد \* و این تجربه البته در دنیا هست ولی ما می‌دانیم که دنیای ما در حال تغییری خیلی جدی است \* در دوران تحول از سرمایه‌داری به سوسیالیسم هر روز عوامل و عناصر تازه‌ای در سیاستهای گوناگون پیدا می‌شود \* اینک در سالهای اخیر احزاب سوسیالیست بیشتر به چپ گرایش پیدا کرده‌اند گرایش نسبتاً عامی است که در تمام کشورهای سرمایه‌داری دیده شده است ( در انگلستان در حزب کار و در حزب سوسیال دمکرات آلمان غربی ) که این نیز یکی از آن عناصر تازه‌ای است که در سیاست جهانی پیدا می‌شود \* کارگران این کشورها روز بروز در نتیجه تأثیر بحران عمومی سرمایه‌داری که در حال تشدید است ، آگاه تر می‌شوند و خواسته‌های خود را با صراحت بیشتری مطرح کرده و موضعگیری ضد انحصارهای بزرگ و ضد منوئل‌های سرمایه‌داری آنها روشن تر و قاطع تر می‌شود \* به موازات این عامل احزاب سوسیالیست و سوسیال دمکرات هم به علت تعهداتی که به طبقه کارگر کشور خود دارند جبراً باید برای اینکه موجودیت خود را حفظ کرده و بتوانند موضعی را که در جامعه دارند نگاه دارند ، مجبور

می‌شوند که در جهت گرایش به چپ آن بخش از طبقه کارگر که دنبال آنها هستند ، تخییر سمت گیری بدهند . باین ترتیب امکان دارد که در فرانسه واقعا " وضوح تازه ای پیدا شود ، به این معنی که ائتلاف کمونیستها و سوسیالیستها رد ولتی که اکنون تشکیل شده است ، دارای يك محتوایی است که اگر نگوییم کاملاً " ضد انحصاری است ، لااقل در جهتی است که بتواند گامهای جدی برای محدود کردن غارتگری انحصارها بردارد . البته ما خیلی خوشحال خواهیم شد اگر سیاست دولت فرانسه در داخل ، در این جهت ، و در خارج هم در جهت تحکیم میانی صلح جهانی و از میان برداشتن موانعی که در مقابل روند تشنج زدائی جهانی وجود دارد ، بطور فعال گام بردارد . این آن چیزی است که ما در باره وضعی که در فرانسه بوجود آمده است ، می‌توانیم اظهار کنیم . و بطور خلاصه باز هم همانطور که گفتیم نارضایتی آمریکا و انگلستان از این حادثه ، بهترین دلیل است براینکه این حادثه را باید به فال نیک گرفت و برای آن يك محتوای مثبت در جهت پیشرفت اجتماعی ، و تحکیم دموکراسی قائل شد .

\* \* \* \* \*



تکثیر از :

واحد حزب توده ایران در برلن غربی